

طبقه کارگرو اول ماه مه

یکبار دیگر اول ماه مه روز جهانی کارگر، سمبل همبستگی بین المللی این طبقه را در سراسر جهان برگزار میکنیم. امروز بیش از هر زمان دیگری طبقه کارگر در ایران و سایر کشورهای جهان با فقر روزافزون، بیکاری، خشونت دولتی، دستگیری، شکنجه، عدم اطمینان به آینده، خودکشی بدلیل بیکاری، تبعیض و نابرابری روبرو بوده و با شرایط بسیار دشوار زندگی درگیر میباشند.

در ژاپن به دلیل ورشکستگی شرکتهای کوچک و متوسط که منجر به بیکاری و اخراج کارگران بسیاری شده است و این اخراجها در ادامه خود منجر به بروز بیماری افسردگی و در بعضی موارد متأسفانه به خودکشی در بین تعدادی از کارگران و خانواده های آنها منجر گردیده است. در فرانسه نیز تاکنون تعداد زیادی (بالای ۲۰ نفر) از کارکنان شرکت "فرانس تلکوم" (اداره تلفن و ارتباطات فرانسه) بر اثر ترس از اخراج و نامیدی از عواقب بیکار شدن دست به خودکشی زده اند. در ایران هم ما روزانه شاهد خودکشی زنان و مردان کارگری هستیم که بسیاری از آنان حتی بیشتر از یکسال دستمزدی در ازای کار خود دریافت نکرده اند و یا اخراج شده اند و آینده روشنی را برای خود و فرزندان شان در این سیستم ضد بشری مشاهده نمیکنند و متأسفانه از سر ناچاری دست به خودکشی میزنند. در آمریکا نیز در سالی که گذشت ما شاهد بیکاری و بیخانمانی بسیاری از کارگران بودیم. در خبر دردناک و باورنکردنی که راجع به خانواده ای که پدر و مادری به اتفاق ۳ فرزند خود خودکشی کرده اند، گزارش داده شده است که: مادر و پدر این خانواده به علت بحران اقتصادی و بیکار شدنشان برای خود و فرزندان شان آینده ای بسیار تاریک و بدون هیچ چشم اندازی را پیش بینی کرده و به همین دلیل دست به خودکشی زدند. پدر خانواده، اروین آنتونیو لوپ، قبل از خودکشی نامه ای به تلویزیونها فرستاده بود که در آن توضیح داده بود که علت این اقدام آنها به دلیل بحران و بیکاری و اخراج خود او و همسرش از کار بوده و شرح داده که گناه این قتلها به عهده کارفرمای او میباشد که خود و همسرش را از کار بیکار کرده و همچنین بحران اقتصادی در آمریکا (ایالات متحد) بوده است، طبق خبری که در روزنامه ها و مدیای خود بورژوازی آمده بود، این پدر و مادر به دلیل بیکار شدن و نداشتن هیچ امکان مالی دست به این کار زده اند متأسفانه فجایع حاصل از سیستم سرمایه داری به همین ختم نمیشوند.

در بیشتر کشورها، سرمایه داران زانو صفت بخاطر سود بیشتر (کار بیشتر کارگران در مقابل دستمزد کمتر) از کودکان بسیار کم سن و سال بطرز وحشیانه ای در شرایط بسیار بدی، ناسالم و دشوار کار میکنند و این کودکان را که از خانواده های فقیر میباشند به شدت استثمار کرده و به کارهای بسیار سنگین و کثیف و بیماری زا میگمارند. حتی در کشورهای سرمایه داری اروپای غربی، سرمایه داران و صاحبان شرکتها و موسسات از نیروی کار بخش وسیعی از مردم که کار ارزان کودکان باشد و یا به کار "سیاه" (کار مهاجرانی که اقامت ندارند و کارگران بیکار) استفاده کرده و در ازای دستمزد ناچیزی که به آنها در قبال کار بسیار شاق و طولانی میپردازند به استثمار شدید آنان مشغول هستند. کودکان ۱۲-۱۳ ساله در سوپرمارکتهای بزرگ با جسم ضعیف و کودکانه خود که هنوز رشد نرمال خود را نیافته است و باید بطور طبیعی و بدون فشار کار سنگین رشد کنند و مشغول مدرسه رفتن و بازی و شادی ورزش و کارهای قشنگ و تفریحی باشند، متأسفانه توسط سرمایه داران به خدمت گرفته شده و استثمار میشوند و مشغول انجام کارهای سنگین میباشند و به همین دلیل بطور روزافزون و به شدت دچار صدمات جسمانی در حین کار میشوند. عوارض ناشی از این صدمات و کارهای سنگین تا آخر عمر با آنها همراه میباشد.

در ایران کارگران *افغان و کودکان کارگری که بر اثر جنگ امپریالیستی طولانی مدت از افغانستان به ایران مهاجرت کرده اند با شرایط قرون وسطی شغلی و با دستمزدهای بسیار کم و تبعیض و تحقیر و بی حقوقی در جامعه و از طرف سرمایه داران روبرو هستند. آنها باید روزانه برای مزدی ناچیز به انواع ظلم و ستم و بیحقوقی و تحقیر کردن نهند و تازه از سرمایه دار زانو صفت ممنون باشند و همچنین از کارفرمایان سود جو، به خاطر اینکه آنها را به کار میگمارند و استثمار شدید میکنند سپاسگزار هم باشند. کارگران افغان معمولاً باید به کارهای بسیار شاق تن در دهند و در مقابل کاری که میکنند دستمزد کمتری دریافت مینمایند. و شهروندان درجه دوم محسوب میشوند. تازه کارفرما بیان به سر آنها منت میگذارند که بر اثر لطف آنها این کارگران نسبت به سایر هموطنان خود داری شغلی و از موقعیت بهتری بر خوردار هستند. حتی کودکان خانواده های کارگرافغان که در ایران بدنیا می آیند اغلب با تبعیضات فراوان در مدرسه و جامعه روبرو میباشند و نه تنها استثمار میشوند بلکه به دلیل افغان بودن پدر و مادر خود، هرگز به عنوان یک شهروند ایرانی علیرغم اینکه در ایران بدنیا آمده اند به رسمیت شناخته نمیشوند و به شدت مورد تبعیض قرار میگیرند. کودکانی که در تمام مدت زندگی خود هرگز در افغانستان نبوده اند و به آنجا سفر نکرده اند. از طرف دولت سرمایه داری ایران (جمهوری اسلامی) و قوانین ضد بشری و راسیستی و ضد کارگرایان سیستم و دولت اسلامی، هرگز به عنوان ایرانی و شهروند ایران شناخته نمیشوند و این قانون همیشه بر علیه آنها به کار گرفته میشود و راه را برای هر نوع تبعیض و بی حقوقی و ستم و استثمار به این کارگران و خانواده های آنان باز میکند. دولت سرمایه داری

با قوانین ضد کارگری و راسیستی و تبعیض آمیز خود و توسط کار فرمایان برای اینکه علت اصلی بحرانها را که در ذات درونی سرمایه داری پنهان است (در سطح اساسی علت بحران گرایش نزولی نرخ سود میباشد) بیوشانند ، و با دروغ و ریا و تزویر علت بیکاری کارگران ایرانی را در انظار عموم و بطور غلط به گردن کارگران و مهاجران افغان میندازند. تا که به اینصورت و با شگرد شناخته شده تفرقه اندازی مانع اتحاد کارگران ایرانی و کارگران افغان شوند . البته این شگرد همیشگی بورژوازی بوده و میباشد که در سایر کشورها نیز برای تفرقه انداختن بین کارگران بومی و مهاجر به اقداماتی از این قبیل دست زده و خواهند زد . بطور کلی برای شکاف در میان طبقه کارگر آنها را به بومی و غیره بومی ، زن و مرد ، سیاه و سفید و پیر و جوان تقسیم میکند ، تا که بدینوسیله از اتحاد طبقاتی کارگران جلوگیری به عمل آورده و بدروغ کارگران مهاجر را عامل بیکارشدنهای کارگران بومی قلمداد کند. زیرا که برای سیستم سرمایه داری چیزی خطرناکتر از آگاهی ،تشکل و اتحاد طبقاتی کارگران نمیباشد.

بطور کلی وضعیت کارگران مهاجر که بخشی از تبعیدیها و پناهندگان را تشکیل میدهند و در سراسر جهان به دلایل مختلف منجمله، سرکوب، تحت پیگرد بودن دلیل فعالیت سیاسی، جنگ ، سیل و زمین لرزه (تمام مصائبی که بخش زیادی از آنها را سیستم ضدبشری سرمایه داری عاملش میباشد) . پراکنده هستند نیز بهتر از کارگران افغان در ایران نمیباشد. در عین حال شرایط زندگی بسیاری از کارگران مهاجر هم در کشورهای سرمایه داری اروپا ، آمریکا و ژاپن بسیار اسفناک و غیر انسانی و تبعیض آمیز و با تحقیر مدا و همراه میباشد . متأسفانه این ستم و بی حقوقی و استثمار و تبعیض روزافزون بر علیه کارگران در همه جوامع ، با توجه به بحران روزافزون سیستم سرمایه داری در سراسر جهان اعمال میشود و تا نابودی کامل این سیستم وجود خواهد داشت. ناگفته نماند که نمونه های بالا ، موارد بسیار اندکی از استثمار و بیحقوقی و فجایع عظیمی هستند که توسط سیستم سرمایه داری بر علیه کارگران مهاجران، که اغلب به طبقه کارگر میپیوندند اعمال میشود. در کنار این فشارها و فجایع ، توحش دولتهای سرمایه داری سیاسی و این سیستم در مقایسه با چندین سال پیش افزایش یافته و سرمایه داری به جز فقر و فشار و زندان و شکنجه و اعدام برای کارگران و مدافعین طبقه کارگر چیز دیگری به ارمغان نیاورده است

در مقابل این ستمگری ، استثمار و دنائت سیستم سرمایه داری و سرمایه داران ، کارگران نیز خوشبختانه هرروز در سراسر جهان دست به اعتراض و اعتصاب و مبارزه بر علیه این شرایط غیر انسانی میزنند و با به جان خریدن خطرات بسیاری مثل ، اخراج ، دستگیری ، شکنجه و محکوم شدن به حبسهای طولانی مدت ، سعی در به هم زدن این نظم بورژوازی دارند و بر علیه سیستم استثمار انسان از انسان به مبارزه و اعتراض بر میخیزند.

در مرحله کنونی با بحران اقتصادی که سرمایه داری با آن دست بگریبان است و علت بروز این بحران تضادهای ذاتی و درونی سرمایه داری میباشد که به پایه ای ترین تضاد آن ، یعنی گرایش نزولی نرخ سود بر میگردد. اکنون که دوران انحطاط و گندیدگی سرمایه داری فرارسیده است و باوجود تمامی این تضادهای حل نشدنی و بهره کشی روز افزون انسان از انسان در سیستم کارمزدی به مرحله ای رسیده است که کم کم دو طبقه اصلی جامعه ، طبقه کارگر و سرمایه دار در جایگاه دشمنان آشتی ناپذیر در مقابل یکدیگر قرار گرفته اند . در این شرایط نقش وظیفه و مسئولیت کمونیستها برای ایفای وظیفه تاریخی خود و سازماندهی طبقه کارگر در حزب طبقاتی آن ، نقشی بسیار حیاتی ، تعیین کننده و غیر قابل انکار میباشد ، زیرا که تنها فاکتور غایب در این رو در روی سرنوشت سازتاریخی کار و سرمایه و در این مصاف طبقاتی ، عدم آگاهی کافی طبقاتی سیاسی طبقه کارگر در ابعاد وسیع در سطح جهان و عدم آگاهی کافی طبقه کارگر از نقش تعیین کننده تاریخی خود به مثابه گورکن سیستم سرمایه داری بودن و نبود حزب سازمانده و کمونیستی که کارگران پیشرو در آن متشکل شوند ، میباشد ، حزبی با برنامه و استراتژی و تاکتیک پرولتری و با داشتن چشم انداز انقلاب پرولتری و در بر پائی نظام سو سیالیستی و رسیدن به هدف نهایی ایش جامعه کمونیستی. ای رسیدن به جامعه کمونیستی .

گرامی باد اول ماه مه

مستحکم با همبستگی بین المللی کارگران

زنده باد کمونیسم

بنفشه کمالی ۲۰۱۰-۵-۱

*مردم افغانستان اطلاق کلمه "افغانی" را به خود، توهین محسوب میکنند. زیرا که از یک طرف این کلمه واحد پول افغانستان میباشد و از طرف دیگر ، برای اولین بار دولت جمهوری اسلامی این کلمه را به عنوان توهین در رابطه با

کارگران و مهاجران افغانستان در ایران بکار برده است. به همین دلیل من در نوشته ام کلمه افغان را بکار برده ام
آنطور که مردم افغانستان خود را مینامند.